

## بررسی اسناد احادیث سه باب از کتاب «الحجّه» کافی

عبدالله فروزانفر\*

نهله غروی نائینی\*\*

**چکیده:** با وجود تمجیدها و تأییدهای فراوان از احادیث کتاب کافی کلینی در قرون مختلف و اعتماد بر آنها، در میان متأخران، نظریاتی در عدم اعتبار اسناد برخی از احادیث این کتاب مطرح شده است. این مقاله با بررسی سند احادیث سه باب از بابهای کتاب «الحجّه» ضمن یادآوری برخی احادیث مهم درباره اهل بیت، بر تثبیت سند بسیاری از این احادیث دست یافته و آنها را با اظهار نظر علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول» مقایسه کرده است.

**کلیدواژه:** سند / کتاب الحجّه / صحیح / حسن / موثق.

### مقدمه

از آنجا که سنت و حدیث دومین منبع از منابع استخراج احکامند، آگاهی از صحت و سقم آنها دارای اهمیّت فراوان است. کتاب «الکافی» مرحوم کلینی یکی از

---

\*. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس.

\*\* دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.

معتبرترین گنجینه‌های حدیثی شیعه است که در خصوص صحّت سند همه احادیث آن با توجه به معیارهای متقدّمین و متأخرین، اختلاف نظر وجود دارد. آیت‌الله خویی، (از معتقدین به عدم صحّت همه احادیث «الکافی») پس از بیان این مطلب که برخی از بزرگان معتقد به صحّت همه روایات «الکافی» بوده و هیچ زمینه‌ای برای بی‌اعتباری آنها به خاطر ضعف سند نمی‌بینند، از زبان مرحوم شیخ محمدحسین نائینی نقل می‌کند: «إنّ المناقشة في اسناد روایات الكافي حرفة العاجز.» (۲: ج ۱، ص ۸۷)

در این مقاله، بر آنیم تا به ارزیابی سند سه باب از بابهای کتاب «الحجّه» ی کتاب «الکافی» مرحوم کلینی بپردازیم. این بابها عبارت‌اند از: (۱) «أَنَّ الْأُمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَهُمْ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

(۲) «أَنَّ الْآيَاتِ التِّي ذَكَرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ هُمُ الْأُمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

(۳) «أَنَّ أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ بِسُؤَالِهِمْ هُمُ الْأُمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

و نتیجه بررسی را با اظهار نظر علامه مجلسی در کتاب «مرآة العقول» - که شرح آن بزرگوار بر کتاب کافی است - مقایسه کنیم.

۱. باب: «أَنَّ الْأُمَّةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَهُمْ النَّاسُ الْمَحْسُودُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ»

۱-۱) حدیث ۱:

۱-۱-۱) سند حدیث

الحسين بن محمد بن عامر الأشعري، عن معلى بن محمد قال: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْوَشَّاءُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ، عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ بَرِيدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.» - الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۳-۲۹۴)

## بررسی سند

۱-۱-۲) الحسين بن محمد بن عامر الأشعري:

قال النجاشي: الحسين بن محمد بن عمران بن أبي بكر الأشعري القمي، أبو عبد الله، ثقة.

(۱۱: ص ۶۶)

آیت الله خوئی ذیل الحسین بن محمد بن عامر می نویسد: «من مشايخ الكليني يروى عنه كثيراً و هو الحسين بن محمد بن عمران بن أبي بكر الأشعري القمي، الثقة الآتي.» (۲: ج ۶، ص ۷۶)

۱-۱-۳) معلی بن محمد:

ابن غضائري می نویسد: المعلی بن محمد، البصري، أبو محمد، يُعرف حديثه و يُنكر،

و يروي عن الضعفاء. (۷: ص ۹۶)

شیخ طوسی ایشان را در زمره کسانی که از ائمه عليهم السلام روایت نکرده اند، ذکر کرده و هیچ لفظی دال بر توثیق یا عدم توثیق ایشان ذکر نکرده است. (۴: ص ۴۴۹) نجاشی نیز عنوان «مضطرب الحديث و المذهب» را درباره وی به کار برده است. (۱۱: ص ۴۱۸) آیت الله خوئی پس از ذکر گفتار فوق درباره معلی بن محمد به دفاع از او می پردازد و می نویسد: «الظاهر أن الرجل ثقة يعتمد على رواياته.» (۲: ج ۱۹، ص ۲۵۸) و در ادامه می گوید: گفتار نجاشی در مورد اضطراب او در حدیث و مذهب، مانع وثاقتش نمی شود؛ اما اضطرابش در مذهب، همان گونه که برخی ذکر کرده اند، ثابت نشده و بر فرض ثبوت، منافاتی با وثاقت ندارد؛ اما اضطرابش در حدیث، معنایش این است که او گاهی آنچه را می شناخته روایت می کرده و گاهی هم آنچه را نمی شناخته؛ و این نیز منافاتی با وثاقت ندارد؛ اما روایتش از ضعفاء، بنابر گفتار ابن غضائری، بنابر فرض ثبوت، ضرری بر عمل کردن به آنچه از ثقات روایت کرده، نمی زند. پس ظاهر آن است که این مرد معتمد علیه است و الله العالم. (۲: ●)

۱-۱-۴) الحسن بن علیّ الوشاء:

شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام رضا علیه السلام ذکر کرده است. (۴: ص ۳۵۴)  
نجاشی نیز می نویسد: «... من أصحاب الرضا علیه السلام و كان من وجوه هذه الطائفة...». (۱۱: ص ۳۹)

آیت الله خویی نقل می کند: «روى الشيخ في التهذيب بسنده عن أبي جعفر محمد بن المفضل ابن إبراهيم الأشعري، قال حدثنا الحسن بن علي بن زياد وهو الوشاء الخزاز وهو ابن بنت إلياس وكان وقف و رجع فقطع.» و می نویسد: «محمد بن المفضل ثقة و الطريق إليه صحيح.» مرحوم خویی در ادامه، گفتار دیگری از شیخ طوسی درباره ای راوی نقل کرده مبنی بر اینکه شیخ در کتاب الغیبه ایشان را ذیل عنوان «الواقفه من جملة من كان واقفاً ثم رجع لما ظهر من المعجزات على يد الرضا علیه السلام» آورده و نوشته است: «و كيف كان فلانينبغي الريب في جلالة الرجل و وثاقته.» (۲: ج ۵، ص ۳۶) بنابراین آیت الله خویی شک در وثاقت و بزرگی مقام حسن بن علی و شاء را شایسته نمی داند.

۱-۱-۵) أحمد بن عائد:

شیخ طوسی وی را جزء اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ذکر کرده است. (۴: ص ۱۲۶) نجاشی نیز ایشان را با عنوان «ثقه» یاد کرده است. (۱۱: ص ۹۸) مرحوم خویی نیز به ذکر گفتار شیخ و نجاشی بسنده کرده است. (۲: ج ۲، ص ۱۲۸-۱۲۹)  
۱-۱-۶) ابن اذینه = عمر بن اذینه:

شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام یاد کرده و با عنوان «ثقه» ستوده است. (۴: ص ۲۵۴ و ۳۳۹) نجاشی نیز درباره ایشان فرموده است: «شیخ اصحابنا البصريين و وجههم...» (۲: ج ۱۳، ص ۱۹)  
۱-۱-۷) بريد العجلي:

شیخ ایشان را از اصحاب امام باقر علیه السلام (۴: ص ۱۲۸) و امام صادق علیه السلام (۴: ص ۱۷۱)

شمرده است. نجاشی نیز می‌فرماید: «... وجه من وجوه أصحابنا، و فقیهه أيضا، له محلٌّ عند الأئمة.» (۱۱: ص ۱۱۲) آیت‌الله خوئی نیز می‌نویسد: کشی سه روایت در ذمّ برید آورده، ولی قابل معارضه نیستند. (ج ۳، ص ۲۸۸-۲۸۹)

#### ۱-۱-۸ نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را ضعیف شمرده است. (ج ۹، ص ۲، ص ۴۰۷) با توجه به دفاعی که مرحوم خوئی از معلی بن محمد و حسن بن علی و شاء کرده، می‌توان این حدیث را موثق<sup>۱</sup> نامید، چون حسین بن محمد در سند، غیرامامی است؛ ولی عالمان شیعه وی را توثیق کرده‌اند.

#### ۱-۲-۲ حدیث ۲:

#### ۱-۲-۱ سند حدیث

عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن محمد بن الفضيل، عن أبي الحسن عليه السلام: - الحدیث (۱۲: ج ۱ ص ۲۹۴-۲۹۵)

#### بررسی سند

۱-۲-۲-۲ عدّة من أصحابنا: منظور از این عبارت، عدّه‌ای از مشایخ کلینی اند که وی جهت اختصار، به نام آنها تصریح نکرده است. این عدّه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- عدّه معلوم ۲- عدّه مجهول.

عدّه معلوم یعنی عدّه‌هایی که کتب رجالی افراد آن را مشخص کرده‌اند. از این رو، چنین عدّه‌هایی موجب ارسال سند نمی‌شوند. عدّه‌های معلوم کافی به عدّه‌هایی گفته می‌شود که پس از تعبیر «عدّة من أصحابنا» نام یکی از سه نفر زیر وجود داشته باشد: (۱) عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن عیسی. این عدّه پنج

۱. حدیث موثق: ما اتصل سنده إلى المعصوم بمن نصّ الأصحاب علی توثیقه، مع فساد عقیدته عن مثله او اعلاه في جمع طبقات. (۸: ج ۱، ص ۱۶۸)

نفرند: محمد بن یحیی، علی بن موسی الّکُمیذانی، داود بن کوره، احمد بن ادريس و علی بن ابراهیم بن هاشم. (۲) عدّه من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد البرقي. این عدّه نیز پنج نفرند: علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبدالله، ابن اذنیه، احمد بن عبدالله بن أمیه و علی بن الحسین السّعدآبادی. (۳) عدّه من أصحابنا عن سهل بن زياد. این عدّه چهار نفرند: علی بن محمد بن علّان، محمد بن ابی عبدالله، محمد بن الحسن و محمد بن العقیل الکلینی. (۱: ج ۳۰، فایده سوم، ص ۱۴۷-۱۵۰: ۱۳: ص ۳۴۸-۳۵۹) عدّه مجهول یعنی عدّه ای که از غیر این سه نفر نقل کنند. مصادیق عدّه های مجهول در هیچ یک از منابع حدیثی و رجالی موجود مشخص نشده اند؛ لذا چنین مواردی موجب ارسال سند می شوند.

۱-۲-۳) أحمد بن محمد = احمد بن محمد بن عيسى الأشعريّ القميّ:

شیخ طوسی او را از اصحاب امام رضا علیه السلام و با عنوان «ثقة» یاد کرده است (۴: ص ۳۵۱) همچنین ایشان را از اصحاب امام جواد علیه السلام (۴: ص ۳۷۳) و امام هادی علیه السلام (۴: ص ۳۸۳) شمرده است. نجاشی نیز عناوین شیخ القمّین، و وجههم و فقیههم به وی داده است. (۱۱: ص ۸۲)

۱-۲-۴) حسین بن سعید = الحسين بن حمّاد، مولى علي بن الحسين علیه السلام، الأهوازيّ

شیخ طوسی عنوان «ثقة» را برای ایشان ذکر کرده است. (۴: ص ۳۵۵) در دیگر کتب رجال نیز عنوانی دال بر جرح ایشان وجود ندارد. (نک: ۱۱: ص ۵۸-۶۰: ۲: ج ۵، ص ۲۴۳-۲۴۴)

۱-۲-۵) محمد بن الفضیل = محمد بن فضیل بن كثير الأزديّ الصيرفيّ

شیخ طوسی در کتاب رجالش سه بار از ایشان یاد کرده: محمد بن فضیل بن كثير الأزديّ، کوفی صیرفی، (۴: ص ۲۹۲) محمد بن فضیل الکوفی الأزديّ، ضعیف، (۴: ص ۳۴۳) محمد بن الفضیل، ازدی، صیرفی، یرمی بالغلو، له کتاب. (۴: ص ۳۶۵)



نجاشی و آیت الله خویی عنوانی دال بر جرح ایشان ذکر نکرده‌اند. (۱۱: ص ۳۶۷؛

۲: ج ۱۷، ص ۱۴۰)

۱-۲-۶ نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را مجهول نامیده است. (۹: ص ۴۱۱) اما با بررسی سند این روایت، معلوم می‌شود که احمد بن محمد در سند غیر امامی ولی موثق است. همچنین شیخ طوسی محمد بن فضیل را ضعیف و غالی شمرد؛ بنابراین این حدیث ضعیف است در عین حالی که سند آن متصل می‌باشد. این حدیث در زمره احادیث عالی السند<sup>۱</sup> قرار داد.

۱-۳-۳ حدیث ۳:

۱-۳-۱-۱-۱ سند حدیث

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد،  
عن يحيى الحلبي، عن محمد الأحول، عن حمران بن أعين قال: قلت لأبي  
عبدالله<sup>عليه السلام</sup>: - الحديث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۵)

بررسی سند

۱-۳-۲-۱ محمد بن یحیی

شیخ طوسی ایشان را در قسمت «من لم یرو عن واحد الأئمة» ذکر کرده و نوشته است: «محمد بن یحیی العطار: روی عنه الكليني، قمي، كثير الرواية.» (۴: ص ۴۳۹) نجاشی درباره‌ی ایشان می‌نویسد: «شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث.» (۱۱: ص ۳۵۳)

۱. کم بودن تعداد واسطه‌ها در نقل روایت (۸: ج ۱، ص ۲۴۳)



۱-۳-۳) أحمد بن محمد = احمد بن محمد بن عيسى الأشعريّ القميّ. (ذیل حدیث شماره ۲ ذکر شد)

۱-۳-۴) الحسين بن سعيد = الحسين بن سعيد بن حماد. (همان)

۱-۳-۵) النضر بن سويد:

شیخ طوسی ذیل اصحاب امام کاظم علیه السلام از ایشان یاد می‌کند و می‌نویسد: «له کتاب و هو ثقة». (۴: ص ۳۴۵) نجاشی نیز می‌نویسد: نضر بن السوید الصیرفی، کوفی، ثقة، صحیح الحدیث... (۱۱: ص ۴۲۷) آیت الله خویی نیز گفتار شیخ و نجاشی را نقل کرده است. (۲: ج ۱۹، ص ۱۵۱)

۱-۳-۶) يحيى الحلبيّ:

شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام یاد کرده، بدون اینکه عبارتی دال بر جرح یا تعدیل او بیاورد. (۴: ص ۳۲۳ و ۳۴۶) اما نجاشی درباره وی می‌نویسد: «ثقة ثقة، صحیح الحدیث». (۱۱: ۴۴۴)

۱-۳-۷) محمد الأحول = محمد بن عليّ بن النعمان الأحول

شیخ طوسی ایشان را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده و نوشته است: «وكان ثقة، متكلمًا، حاذقًا...». (۵: ص ۲۰۷) همچنین در رجالش او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام بر شمرده و نوشته است: «محمد یکنی أباجعفر الأحول الملقب بمؤمن الطاق، ثقة». (۴: ص ۳۴۳) نجاشی نیز می‌نویسد: «محمد بن عليّ بن النعمان بن أبي طريفة البجليّ مولیّ، الأحول أبو جعفر، کوفی، صیرفی، یلقب مؤمن الطاق و صاحب الطاق...». (۱۱: ص ۳۲۵)

۱-۳-۸) حُمران بن أعین

شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند و می‌نویسد: «حمران بن أعین الشيبانيّ، مولا هم، یکنی أبالحسن، وقيل: أبو حمزه، تابعيّ». (۴: ص ۱۳۲) نجاشی ایشان را در کتاب رجالش یاد نکرده‌اند.



۱-۳-۹) نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را حسن<sup>۱</sup> نامیده است. (۹: ص ۴۱۱) اما از آنجا که احمد بن محمد در سند این روایت غیر امامی (اشعری) و توثیق شده است لذا طبق تعریف، این حدیث موثق است.

۱-۴) حدیث ۴:

۱-۴-۱-۱- سند حدیث

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبي الصباح قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام: - الحديث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۵)

بررسی سند

۱-۴-۲ تا ۱-۴-۴-۱- الحسین بن محمد، معلى بن محمد و الوشاء در حدیث اول همین باب ذکر شده‌اند. (بنگريد: ۱-۱-۲ تا ۱-۱-۴)

۱-۴-۵) حماد بن عثمان:

شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام صادق عليه السلام، امام کاظم عليه السلام و امام رضا عليه السلام ذکر کرده است. (۴: ص ۱۸۶ و ۳۳۴ و ۳۵۴) ولی در جرح یا تعدیل وی سخنی به میان نیآورده است. نجاشی می‌نویسد: «حماد بن عثمان بن عمرو بن خالد الفزاري مولا هم، کوفي، کان یسکن عرزم فنسب إليها، وأخوه عبدالله ثقتان...» (۱۱: ص ۱۴۳)

۱-۴-۶) أبي الصباح = أبو الصباح الكناني

آیت الله خوئی ذیل «أبي الصباح» می‌گوید: ایشان همان «أبو الصباح الكناني» است و ذیل «أبو الصباح الكناني» می‌نویسد: شرح حال ایشان ذیل «إبراهيم بن نعيم» آمده است. (۲: ج ۲۱، ص ۱۸۹-۱۹۲).

۱. حدیث اتصل سنده الى المعصوم بامامی ممدوح عن مثله أو أعلاه في جميع الطبقات. (۶: ص ۶۸؛ ۸: ج ۱، ص ۱۶۰)

شیخ طوسی ذیل «إبراهیم بن نعیم العبدیّ الکنانی» از اصحاب امام باقر علیه السلام می نویسد: «یکتبی أبا الصباح، کان یسمی المیزان من ثقته.» (۴: ص ۱۲۳) نجاشی نیز می نویسد: «... یسمیه المیزان، لثقته.» (۱۱: ص ۱۹)

۷-۴-۱ نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را ضعیف<sup>۱</sup> شمرده است. (۹: ص ۴۱۲) اما این حدیث را می توان جزء احادیث صحیح شمرد. ضمن اینکه حدیث عالی السند نیز هست.

۵-۱ (۵) حدیث ۵:

۱-۵-۱ (۱) سند حدیث

علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن محمد بن أبي عمیر، عن عمر بن أذینة، عن برید العجلی، عن أبي جعفر علیه السلام: - الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۵)

بررسی سند

۲-۵-۱ (۲) علی بن ابراهیم:

نجاشی می نویسد: «علی بن ابراهیم بن هاشم، أبو الحسن القمّی، ثقة فی الحدیث، ثبت، معتمد، صحیح المذهب، سمع فأكثر (و أكثر)، و صنّف کتاباً و أضّر فی وسط عمره.» (۱۱: ص ۲۶۰)

۳-۵-۱ (۳) ابراهیم بن هاشم:

شیخ طوسی می نویسد: ابراهیم بن هاشم القمّی، تلمیذ یونس بن عبدالرحمن. (۴: ص ۳۵۳) نجاشی نیز ذیل نام ایشان می نویسد: أبواسحاق القمّی، أصله کوفی، انتقل إلى قم، قال أبو عمرو الكشي: «تلمیذ یونس بن عبدالرحمن من أصحاب الرضا علیه السلام.» هذا قول الكشي، و فيه نظر، و أصحابنا یقولون: أول من نشر حدیث الكوفیین بقم هو. (۴: ص ۱۶)

۱. حدیثی که شروط حدیث صحیح، حسن و موثق را ندارد. (۸: ج ۱، ص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ ۶: ص ۷۱)

۱-۵-۴) محمد بن ابی عمیر:

شیخ طوسی با عناوین «ثقة» (۴: ص ۳۶۵) و «كان من أوثق الناس عند الخاصة و العامة» (۵: ص ۲۱۸) از ایشان یاد کرده است. نجاشی نیز می‌نویسد: «محمد بن ابی عمیر... و روى عن الرضا عليه السلام، جليل القدر عظيم المنزلة فينا و عند المخالفين.» (۱۱: ص ۳۲۶)

۱-۵-۵ و ۱-۵-۶) عمر بن أذينة و بريد العجلي: ذیل حدیث اول همین باب از ایشان سخن به میان آمد. (بنگرید: ۱-۱-۶ و ۱-۱-۷)

۱-۵-۷) نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را حسن نامیده است. (۹: ص ۴۱۲) اما با بررسی سند این حدیث، معلوم می‌شود که این حدیث صحیح<sup>۱</sup> است و جزء احادیث عالی السند قرار دارد.

۲. باب: «أَنَّ الآياتِ التي ذكرها اللهُ عزَّ و جلَّ في كتابه همُ الأئمَّةُ عليهم السلام.»

۲-۱) حدیث ۱:

۲-۱-۱-۱-۱) سند حدیث

الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن أحمد بن محمد بن عبد الله، عن أحمد بن هلال، عن أمية بن علي، عن داود الرقي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام: - الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. حدیث اتّصل سنده إلى المعصوم عليه السلام بنقل العدل الإمامي عن مثله في جميع الطبقات (۸: ج ۱، ص ۱۴۶-۱۵۲)

## بررسی سند

۲-۱-۲ و ۲-۱-۳ الحسین بن محمد و معلی بن محمد (بنگرید: ۱-۲ و ۱-۱-۳)

۲-۱-۴) أحمد بن محمد بن عبدالله:

شرح حال ایشان در کتب رجال یافت نشد پس از مجاهیل است. شیخ مامقانی ایشان را از مجاهیل شمرده است. (۱۳: ص ۲۹۰)

۲-۱-۵) أحمد بن هلال:

شیخ طوسی ایشان را در زمرة اصحاب امام هادی علیه السلام ذکر کرده و نوشته است: «أحمد بن هلال العبر تائي، بغدادی، غالی». (۴: ص ۳۸۴) در جای دیگر نیز می نویسد: ... و كان غالباً، متهماً في دينه. (۵: پیشین، ص ۸۳)

نجاشی می نویسد: «أحمد بن هلال أبو جعفر العبر تائي صالح الرواية، يعرف منها و ينكر...» (۱۱: ص ۸۳)

آیت الله خوبی می نویسد: فساد عقیده و عمل ایشان، موجب سقوط روایتش از حجیت نمی شود؛ چراکه ایشان بر طبق گفتار نجاشی (صالح الرواية)، فی نفسه ثقة است. (۲: ج ۲، ص ۳۵۸)

۲-۱-۶) أمية بن علي:

ابن غضائری درباره ایشان می نویسد: أمية بن علي، القيسي، يكتنأ بأبامحمد، في عداد القميين، ضعيف الرواية، في مذهبه ارتفاع. (۷: ص ۳۸) نجاشی نیز می گوید: اصحاب ما ایشان را تضعیف کرده اند. (۱۱: ص ۱۰۵)

۲-۱-۷) داود الرقي = داود بن كثير

ابن غضائری می نویسد: «داود بن كثير بن أبي خالد الرقي... كان فاسد المذهب، ضعيف الرواية، لا يُلتفت إليه.» (۷: ص ۵۸) شیخ طوسی ایشان را در زمرة اصحاب امام کاظم علیه السلام و با عنوان «ثقة» یاد کرده است. (۴: ص ۳۳۶) نجاشی نیز می نویسد: «داود بن كثير ضعيف جداً و الغلاة تروى عنه. قال أحمد بن عبد الواحد: قل ما رأيت له حديثاً



سدیداً» (۱۱: ص ۱۵۶)

۲-۱-۸) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را ضعیف نامیده است. (۹: ص ۴۱۴) در این روایت، احمد بن محمد بن عبدالله از مجاهیل است و احمد بن هلال، امیه بن علی و داود الرقی نیز از ضعیفان می‌باشند. بنابراین این حدیث در زمره احادیث ضعیف به شمار می‌آید.

۲-۲) حدیث ۲:

۲-۲-۱) سند حدیث

أحمد بن مهران، عن عبد العظیم بن عبدالله الحسني، عن موسى بن محمد العجلي، عن يونس بن يعقوب رفعه، عن أبي جعفر عليه السلام: - الحديث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۷)

بررسی سند

۲-۲-۲) احمد بن مهران:

قال ابن الغضائري: روى عنه الكليني في كتاب «الكافي» ضعيفاً. (۷: ص ۴۲) در رجال طوسی و نجاشی، نام ایشان ذکر نشده است.

۲-۲-۳) عبد العظیم بن عبدالله الحسني:

شيخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام هادی عليه السلام و امام عسکری عليه السلام ذکر کرده است. (۴: ص ۳۸۷ و ۴۰۱) نجاشی نیز می‌نویسد: «عبد العظیم بن عبدالله... له كتاب خطب أمير المؤمنين...». (۱۱: ص ۲۴۷-۲۴۸)

۲-۲-۴) موسی بن محمد العجلي:

نام وی در رجال ابن غضائری، رجال طوسی و رجال نجاشی ذکر نشده است. در

معجم الرجال آیت الله خوئی آمده که ایشان از یونس بن یعقوب روایت کرده و عبدالعظیم حسنی نیز از ایشان روایت نموده است. جرح یا تعدیل دیگری درباره ایشان وجود ندارد. (۲: ج ۱۹، ص ۷۶-۷۷)

۲-۲-۵) یونس بن یعقوب:

شیخ طوسی ایشان را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام برشمرده و با عنوان «ثقه» یاد کرده است. (۴: ص ۳۲۳ و ۳۴۵ و ۳۶۸) آیت الله خوئی نیز می نویسد: «إنَّ الرجلَ إمامی، ثقه، ولو فرض أنه كان فطحياً، أو واقفياً رجع إلى الحقِّ.» (۲: ج ۲۰، ص ۲۳۲)

۲-۲-۶) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را ضعیف نامیده است. (۹: ص ۴۱۴) از بررسی سند این روایت، معلوم می شود که این روایت به دلایل زیر ضعیف است:  
۱. ابن غضائری احمد بن مهران را تضعیف کرده و در رجال طوسی و نجاشی نیز نام ایشان ذکر نشده است و هیچ یک از مؤلفین کتب رجال به توثیق ایشان اشاره نکرده اند. (۱۰: ص ۱۹۳)

۲. یونس بن یعقوب در سند این روایت، تصریح به لفظ «رفع» نموده؛ بنابراین، این حدیث مرفوع و ضعیف است.

۲-۳) حدیث ۳:

۲-۳-۱- سند حدیث

محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أبي عمير أو غيره، عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر علیه السلام: - الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۲۹۷)

## بررسی سند

۲-۳-۲ تا ۲-۳-۵) محمد بن یحیی، أحمد بن محمد، محمد بن الفضیل در احادیث باب قبلی ذکر شده‌اند. (بنگريد به ترتيب: ۱-۳-۲، ۱-۴-۵، ۱-۵-۲)

## ۲-۳-۶) أبي حمزة

قال الخوئي: الظاهر أن هذا هو الثماني الآتي... وهو ثابت بن دينار. (۲: ج ۲۱، ص ۱۳۴) نجاشي ذیل ثابت بن أبي صفیه می نویسد: أبو حمزة الثمالي و اسم أبي صفیه دينار، مولى، كوفي، ثقة. (۱۱: ص ۱۱۵)

## ۲-۳-۷) نتیجه

از نظر علامه مجلسی، این حدیث مجهول است. (۹: ص ۴۱۵) در این روایت، چند نکته قابل توجه است: ۱- احمد بن محمد غیر امامی (اشعری) است ولی موثق. ۲- کلمه «غیره» در سند مجهول است. ۳- شیخ طوسی، محمد بن فضیل را ضعیف و متهم به غلو دانسته است. بنابراین، این حدیث مجهول و ضعیف است؛ لکن از نوع احادیث عالی السند است.

۳. باب: «أَنَّ أَهْلَ الذِّكْرِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ الْخَلْقَ بِسُؤَالِهِمْ هُمُ الْأُمَّةُ الْبَارِعَةُ.»

## ۳-۱) حدیث ۱:

## ۳-۱-۱) سند حدیث

الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن عبد الله بن عجلان، عن أبي جعفر عليه السلام: - الحديث (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۳)

پژوهش‌های نوین در مطالعات فقهی  
پرتال جامع علوم انسانی

### بررسی سند

۳-۱-۲ تا ۳-۱-۴) الحسين بن محمد، معلى بن محمد و الوشاء (بنگريد: ۱-۱-۲ تا ۱-۱-۴)

۳-۱-۵) عبدالله بن عجلان

شيخ طوسى ايشان را در زمرة اصحاب امام باقر عليه السلام و امام صادق عليه السلام ذكر کرده است. (۴: ص ۱۳۹ و ۲۶۴) مرحوم خويى نيز به گفتار شيخ طوسى بسنده کرده است. (۲: ج ۱۰، ص ۲۵۱)

۳-۱-۶) نتیجه

علامه مجلسى عنوان «ضعيف على المشهور» را به اين روايت داده است. (۹: ص ۴۲۶) اما با بررسى سند اين حديث، معلوم مى شود که اين حديث موثق است، بدین سبب که حسين بن محمد غير امامى (اشعری) و موثق است. سند اين روايت هم سندى عالى است.

۳-۲) حديث ۲:

۳-۲-۱) سند حديث

الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن محمد بن أورمة، عن علي بن حسان، عن عمه عبدالرحمن بن كثير قال: قلت لأبي عبدالله عليه السلام: - الحديث (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۴)

### بررسی سند

۳-۲-۲) محمد بن أورمة

ابن غضائرى مى نويسد: «محمد بن أورمة، أبو جعفر، القمي، اتهمه القميون بالغلو، و حديثه نقي لافساد فيه، و ما رأيت شيئاً ينسب إليه تضرب فيه النفس...» (۷: ص ۹۳) نجاشى نيز ذيل نام ايشان مى نويسد: «أبو جعفر القمي ذكره القميون و غمزوا عليه و رموه بالغلو حتى دس عليه من يفتك به، فوجدوه يصلّى من أول الليل إلى آخره فتوقفوا







عنه.» (۱۱: ص ۳۲۹)

۳-۲-۳) علی بن حسان:

ابن غضائری درباره وی می نویسد: «علی بن حسان بن کثیر، مولی ابی جعفر الباقر، ابوالحسن، روی عن عمّه عبدالرحمن، غال، ضعیف.» (۷: ص ۷۷)  
نجاشی نیز عناوین «ضعیف جداً، ذکره بعض أصحابنا فی الغلاة و فاسد الاعتقاد» را درباره او به کار برده است. (۱۱: ص ۲۵۱)

۳-۲-۴) عبدالرحمن بن کثیر:

قال النجاشی: «عبدالرحمن بن کثیر الهاشمی مولی عباس بن محمد... کان ضعیفاً غمز أصحابنا علیه و قالوا: کان یضع الحدیث.» (۱۱: ص ۲۳۴-۲۳۵)  
آیت الله خوئی می نویسد: ابن قولویه و علی بن ابراهیم، عبدالرحمن بن کثیر را توثیق کرده اند؛ از آنجا که این گفتار با تضعیف نجاشی نسبت به ایشان معارض است بنابراین وثاقتش ثابت نیست. (۲: ج ۹، ص ۳۴۴)

۳-۲-۵) نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را ضعیف شمرده است. (۹: ص ۴۲۸) از آنجا که در سند این روایت، سه راوی ضعیف وجود دارد، این حدیث ضعیف است؛ هرچند که به لحاظ سند، عالی است.

۳-۳) حدیث ۳:

۳-۳-۱) سند حدیث

الحسین بن محمد، عن معلى بن محمد، عن الوشاء قال: سألتُ الرضا عليه السلام: -  
الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۴)

پرتال جامع علوم انسانی

### بررسی سند

۳-۲ تا ۳-۳-۴ هر سه نفر راویان حدیث فوق ذیل حدیث اول باب «أَنَّ الْأُمَّةَ بِاللَّيْلِ وَاللَّيْلَةَ الْأَمْوَهُمُ النَّاسَ الْمُحْسَدُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ» ذکر شده‌اند. (بنگرید: ۱-۱ تا ۲-۱) (۴-۱-۱)

### ۳-۲-۵ نتیجه

عَلَامَهُ مَجْلِسِي عِنْدَ «ضَعِيفِ عَلِيٍّ الْمَشْهُورِ» رَا بِهِ اَيْنَ رَوَايَتِ دَاوَدَ اِسْت. (هَمَانِ) اَمَّا بِاِ بَرْرِسِي سِنْدِ اَيْنَ رَوَايَتِ، مِي تَوَانِ اَنْ رَا مَوْثِقٌ نَامِيْدٌ؛ زِيْرَا حَسِيْنِ بِنِ مُحَمَّدٍ غَيْرَا مَامِي وَ دَارَايَ تَوْثِيْقِ اِزْ طَرْفِ عِلْمَايَ شِيْعِهِ اِسْت. اَيْنَ حَدِيْثِ عَالِيِ السِّنْدِ اِسْت.

### ۳-۴ حدیث ۴:

### ۳-۴-۱ سند حدیث

عَدَّةٌ مِنْ اَصْحَابِنَا، عَنْ اَحْمَدَ بِنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ الْحَسَنِ بِنِ سَعِيْدٍ، عَنْ النَّضْرِ بِنِ سُوَيْدٍ، عَنْ عَاصِمِ بِنِ حَمِيْدٍ، عَنْ اَبِي بَصِيْرٍ، عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام: - الْحَدِيْثُ (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۵)

### بررسی سند

۳-۴-۲ تا ۳-۴-۵ در مورد «عَدَّةٌ مِنْ اَصْحَابِنَا»، اَحْمَدُ بِنُ مُحَمَّدٍ، حَسَنِ بِنِ سَعِيْدٍ وَ نَضْرِ بِنِ سُوَيْدٍ قَبْلًا بَحْثُ شُد. (بنگرید به ترتیب: ۱-۲-۲، ۱-۲-۳، ۱-۲-۴، ۱-۳-۵)

### ۳-۴-۶ عاصم بن حمید

شِيْخِ طُوْسِي وَ يِ رَا جِزْءَ اَصْحَابِ اِمَامِ صَادِقٍ عليه السلام ذَكَرْ كَرْدَه اِسْت. (۴: ص ۲۶۲) نَجَاشِي نِيْزِ مِي نُوَيْسِد: «عَاصِمِ بِنِ حَمِيْدِ الْحَنَاطِ الْحَنَفِيِّ اَبُو الْفَضْلِ، مَوْلَى، كُوْفِيٍّ، ثِقَّةٌ، عِيْنٌ، صَدُوْقٌ، رَوَى عَنْ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام». (۱۱: ص ۴۴۱)

### ۳-۴-۷ ابي بصير = يحيى بن القاسم ابوبصير الأسدی

نَجَاشِي ذِيْلِ نَامِ يَحْيَى بِنِ الْقَاسِمِ مِي نُوَيْسِد: اَبُو بَصِيْرِ الْاَسَدِيِّ، وَ قِيْلَ اَبُو مُحَمَّدٍ، ثِقَّةٌ،

وجیهه. (۱۱: ص ۴۴۱)

آیت الله خوئی نیز می نویسد: برخی گفته اند که ابوبصیر بین ثقه و غیر ثقه مشترک است؛ به همین خاطر، این دسته از روایات از حجّیت ساقط اند؛ ولی ما در شرح حال یحیی بن قاسم ذکر کردیم که ابوبصیر هنگامی که به صورت مطلق به کار می رود، منظور یحیی بن قاسم است و بر فرض پنهان بودن، امر متردّد بین او و لیث بن بختری مراد ثقه است. پس تردّد، تأثیری ندارد، و غیر این دونفر هم به این کنیه معروف نیستند. بلکه هیچ موردی ابوبصیر به طور مطلق، یافت نمی شود که غیر از این دونفر باشد. (۲: ج ۲۱، ص ۴۷)

۳-۴-۸ نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را صحیح شمرده است. (۹: ص ۴۲۹) اما این حدیث نیز به خاطر احمد بن محمد اشعری، موثّق است. این حدیث نازل السند<sup>۱</sup> است.

۳-۵ حدیث ۵:

۳-۵-۱ سند حدیث

أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن حمّاد، عن ربعي، عن فضيل، عن أبي عبد الله عليه السلام: - الحدیث (۲: ج ۱، ص ۳۰۵)

بررسی سند

۳-۵-۱ احمد بن محمد (بنگريد: ۱-۲-۳)

۳-۵-۲ حسين بن سعيد (بنگريد: ۱-۲-۴)

۳-۵-۳ حمّاد

برای این اسم به طور مستقل، در کتب رجال ذکر می نیافتیم؛ جز اینکه آیت الله

۱. نازل السند در مقابل عالی السند است که واسطه های آن زیاد است (۸: ج ۱، ص ۲۴۳)

خوبی گفته که حماد مشترک بین حماد بن عثمان و حماد بن عیسی است و هر دو ثقه‌اند. (۱۲: ج ۶، ص ۲۱۲)

۳-۵-۴) ربعی = ربعی بن عبدالله بن الجارود

قال النجاشی: «ربعی بن عبدالله بن الجارود...، بصری، ثقة... و صحب الفضیل بن یسار و أكثر الأخذ عنه و كان خصیصاً به.» (۱۱: ص ۱۶۷) شیخ طوسی نیز ایشان را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر کرده‌اند. (۴: ص ۲۰۵)

۳-۵-۵) فضیل = فضیل بن یسار

شیخ طوسی ایشان را در زمره اصحاب امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام ذکر و با عنوان «ثقه» از او یاد کرده است. (۴: ص ۲۰۵) نجاشی نیز می‌نویسد: «الفضیل بن یسار النهدی أبو القاسم عربی، بصری، صمیم، ثقة.» (۱۱: ص ۳۰۹)

۳-۵-۶) نتیجه

علامه مجلسی این حدیث را صحیح می‌نامد. (۹: ص ۴۳۰) این حدیث نیز به خاطر احمد بن محمد اشعری، موثق است. سند این حدیث نیز عالی است.

۳-۶-۶) حدیث ۶:

۳-۶-۱) سند حدیث

محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن إسماعیل، عن منصور بن یونس، عن أبي بكر الحضرمي قال: كنت عند أبي جعفر علیه السلام: - الحدیث (۱۲):

ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶)

بررسی سند

۳-۶-۲) محمد بن الحسین = محمد بن الحسین ابی الخطاب  
شیخ طوسی درباره ایشان می‌نویسد: کوفی ثقة. (۴: ص ۳۷۹) نجاشی نیز می‌نویسد: «جلیل من أصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایة، ثقة، عین، حسن التصانیف،

مسکون إلى روايته.» (۱۱: ص ۳۳۴)

۳-۶-۳) محمد بن إسماعيل = محمد بن اسماعيل بن بزيع

شيخ طوسي می نویسد: «محمد بن إسماعيل بن بزيع، ثقة صحيح، كوفي، مولى المنصور.» (۴: ص ۳۶۴) نجاشی نیز می نویسد: «محمد بن إسماعيل بن بزيع... ولد بزيع بيت، كان من صالحى هذه الطائفة و ثقافتهم، كثير العمل.» (۱۱: ص ۳۳۰)

۳-۶-۴) منصور بن يونس:

شيخ طوسي ذيل اصحاب امام كاظم عليه السلام می نویسد: «منصور بن يونس، بزرج، له كتاب، واقفي.» (۴: ص ۳۴۳) نجاشی نیز می نویسد: «منصور بن يونس بزُرج، ابويحيى و قيل أبوسعيد، كوفي، ثقة.» (۱۱: ص ۴۱۳)

۳-۶-۵) أبى بكر الحضرمي = عبدالله بن محمد الحضرمي (۱۴: ج ۲، ص ۳۶۹)

آيت الله خويى می نویسد: «الحضرمي» با كنية أبى بكر سه نفرند: عبدالله بن محمد، محمد بن شريح و احمد بن محمد، ولى معروف از میان این سه نفر، عبدالله بن محمد است. (۲: ج ۲۱، ص ۷۰)

شيخ طوسي ذيل اصحاب امام صادق عليه السلام می نویسد: «عبدالله بن محمد، أبوبكر الحضرمي الكوفي، سمع من أبى الطفيل، تابعي.» (۴: ص ۲۳۰)

اردبیلی ذیل «عبدالله بن محمد ابوبكر الحضرمي» می نویسد: «الكوفي سمع من أبى الطفيل تابعي روى عنهما.» (۱۴: ج ۱، ص ۵۰۱)

۳-۶-۶) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را «حسن موثق» نامیده است. شیخ طوسی، منصور بن یونس در سند این روایت را واقفی نامیده؛ همچنین ابوبکر الحضرمی را جزء تابعین خوانده است. بنابراین جزء احادیث عالی السند نیز محسوب می شود.

۷-۳) حدیث ۷:

۱-۷-۳) سند حدیث

محمّد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن صفوان بن یحیی، عن العلاء بن  
رَزین، عن محمّد بن مسلم، عن أبي جعفر علیه السلام: - الحدیث (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۶)

بررسی سند

۲-۷-۳) صفوان بن یحیی:

شیخ طوسی ایشان را با عناوین «وکیل الرضلاء علیهم السلام، ثقة» یاد کرده است. (۴: ص  
۳۳۸) نجاشی نیز عناوین «ثقة، ثقة، عین» را برای وی ذکر کرده است. (۱۱: ص ۱۹۵)  
۳-۷-۳) العلاء بن رَزین:

شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر کرده است. (۴: ص ۲۴۷)  
نجاشی نیز می‌نویسد: «... کان یلقى السویق، روی عن أبي عبد الله علیه السلام، و صحب  
محمد بن مسلم و فقه عليه و كان ثقةً وجهاً.» (۱۱: ص ۲۹۸)  
۴-۷-۳) محمّد بن مسلم:

شیخ طوسی ایشان را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام  
کاظم علیه السلام می‌آورد و می‌نویسد: لَقِيَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام. (۴: ص ۲۹۴ و ۱۴۴ و ۳۴۲) نجاشی با  
عناوین «وجه أصحابنا بالكوفة»، «فقيه»، «ورع»، «صحاب ابا جعفر و ابا عبد الله و روی  
عنها» و «کان من أوثق الناس» از ایشان یاد کرده است. (۱۱: ص ۳۲۴)  
۵-۷-۳) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را صحیح شمرده است. (۹: ص ۴۳۰) با بررسی سند  
این حدیث معلوم می‌شود که این حدیث صحیح است. سند آن نیز نازل است.



۸-۳) حدیث ۸:

۱-۸-۳) سند حدیث

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْوَشَّاءِ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: - الْحَدِيثُ (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۷)

۲-۸-۳) سند این روایت قبلاً بررسی شده است. (بنگريد: ۲-۲-۱، ۳-۲-۱، ۴-۱-۱).

۳-۸-۳) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را صحیح نامیده است. (۹: ص ۴۳۱) اما این حدیث موثق است؛ چون احمد بن محمد غیر امامی (اشعری) ولی توثیق شده است. سند نیز عالی است.

۹-۳) حدیث ۹:

۱-۹-۳) سند حدیث

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرَّضِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِتَاباً  
 فَكَانَ فِي بَعْضِ مَا كَتَبْتُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: - الْحَدِيثُ (۱۲: ج ۱، ص ۳۰۶-۳۰۷)

بررسی سند

۲-۹-۳) أحمد بن محمد بن أبي نصر = أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي

شیخ طوسی ایشان را جزء اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام یاد کرده و با عناوین «مولى السكوني»، «ثقة» و «جليل القدر» نام برده است. (۴: ص ۳۳۲ و ۳۵۱) نجاشی نیز می نویسد: «... البزنطي، كوفي، لقي الرضا و أبا جعفر عليهما السلام و كان عظيم المنزلة عندهما و له كُتُبٌ.» (۱۱: ص ۷۵)

۳-۹-۳) نتیجه:

علامه مجلسی این حدیث را صحیح نامیده است. (۹: ص ۴۳۰) اما این حدیث نیز موثق است. عالی السند نیز می باشد.

## منابع

١. حرّ عاملی، محمّدين حسن. تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. تحقيق: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٢. خوئی، سيد ابوالقاسم. معجم رجال الحديث. مركز نشر آثار الشيعة.
٣. شيخ بهائي، محمدبن حسين عاملی. الوجيزه في علم الدراية (رسائل في رواية الحديث). قم: دارالحديث، ١٣٨٢ ش / ١٤٢٤ ق.
٤. طوسی، محمدبن حسن. رجال الطوسی. مؤسسة النشر الاسلامی. الطبعة الاولى.
٥. ———. الفهرست. مؤسسه نشر الفقاهة. الطبعة الثانية، ١٤٢٢ ق.
٦. شهيد ثانی، زين الدين الجبعی العاملی. الرعاية في علم الدراية. تحقيق: عبدالحسين محمّد علي بقال. قم: مكتبة آية الله مرعشي، ١٤١٣ ق.
٧. الغضائري، احمدبن الحسين. الرجال لابن الغضائري. قم: دارالحديث. الطبعة الاولى. ١٣٨٠ ش.
٨. مامقاني، عبدالله. مقباس لهداية في علم الدراية. تحقيق: محمّدرضا مامقاني. مؤسسه آل البيت الاحياء التراث، ١٤١١ ق.
٩. مجلسی، محمّد باقر. مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول. دارالكتب الاسلاميه. چاپ دوم، ١٣٦٣ ش.
١٠. معروف الحسنی، هاشم. دراسات في الحديث و المحدثين. بيروت. دارالتعارف للمطبوعات، ١٩٧٨ م.
١١. نجاشي، احمدبن علي. فهرست أسماء مصنّفی الشيعة (رجال النجاشي). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
١٢. كليني، محمّدين يعقوب. اصول كافي. با ترجمه و شرح سيد جواد مصطفوی.
١٣. حبيب العميدی، ثامر هاشم. الشيخ الكليني البغدادي و كتابه الكافي. مكتب الاعلام الاسلامی. الطبعة الاولى، ١٤١٤ ق.
١٤. اردبيلي الغروي الحائري، محمّدين علي. جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الإستاد. بيروت: منشورات دارالأضواء، ١٩٨٣ ق.